

رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه و سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی

سحر رفیعی*^۱، ابوالفضل حاتمی^۲ و علی اکبر فروغی^۳

چکیده

خیانت زناشویی موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ی ای‌گیج‌کننده و دردناک بر همه‌ی کسانی باشد که درگیر با آن هستند. این پژوهش بمنظور بررسی رابطه‌ی بین سبک دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی شهر تهران طراحی و اجرا گردید. آزمودنی‌ها شامل ۸۲ نفر از زنانی بود که به علت خیانت زناشویی به مراکز کاهش طلاق بهزیستی استان تهران در بازه‌ی زمانی مهر ۸۸ تا شهریور ۸۹ ارجاع داده شده بودند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه‌ی یانگ، سبک دلبستگی هازن و شیور گردآوری شد. یافته‌ها حاکی از آن است که بین سبک دلبستگی اجتنابی و ۴ طرحواره‌های حوزه (بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری رابطه‌ای مثبت و معنادار یافت شد. یافته‌ها، رابطه‌ای منفی و معنادار را بین سبک دلبستگی ایمن و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد و خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری نشان دادند.

واژه‌های کلیدی: خیانت زناشویی، سبک دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه.

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبایی.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی.

*- نویسنده‌ی مسئول مقاله: sahar.rafiie@gmail.com

پیشگفتار

خیانت زناشویی^۱ موضوعی است که زوج درمانگران به صورت منظم در کارهای بالینی‌شان با آن مواجه می‌شوند و می‌تواند تجربه‌ای گیج‌کننده و دردناک برای همه‌ی کسانی باشد که با آن درگیرند، افزون بر این، خیانت یکی از دلایل عمده‌ی طلاق و ازهم پاشیدن ازدواج است (گلاس^۲ و رایت^۳، ۱۹۹۷، به نقل از اسچیکلفورد^۴، ۲۰۰۸). خیانت شامل برقراری ارتباط جنسی یک فرد متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است (کاوه، ۱۳۸۳).

در ایالات متحده، بیش‌تر افرادی که در حال ازدواج هستند، انتظار دارند که تک همسری باشند و میزان مخالفت با روابط جنسی فرازناشویی بالاست (جانسون و همکاران، ۲۰۰۲)، با این وجود، حدود ۳۴ درصد از مردان و ۱۹ درصد زنان در گروه‌های بزرگسال، درگیر شدن در روابط جنسی فرازناشویی را در مرحله‌ای از زندگی‌شان گزارش می‌کنند (ویدرمن^۵، ۱۹۹۶).

صاحب‌نظران بسیاری مطرح کرده‌اند که دلبستگی نایمن می‌تواند برای تبیین خیانت بکار رود و افراد دارای دلبستگی ایمن تمایلی کم‌تر به رابطه‌ی خیانت زناشویی دارند زیرا آن‌ها در روابط زناشویی‌شان احساس راحتی و اطمینان دارند که این احساس به عنوان مانعی برای شروع روابط جنسی فرازناشویی عمل خواهد کرد (جینفریو^۶، ۲۰۰۹).

بالبی (۱۹۸۰) ابراز داشت که نوزادان، تجربیات خود با مراقبان را برای ایجاد نمودهای دلبستگی درونی یا الگوهای فعال‌سازی درونی درباره‌ی خودشان و دیگران در روابط بیرون می‌کشند و این نمودهای دلبستگی در پی آن، انتظارات در مورد روابط و آینده را شکل می‌دهند و از سوی دیگر، طرحواره‌ها باورهای ارزیابی‌گرایانه در مورد خود و دیگران را شامل می‌شوند. چنین بیان شده که بازنمایی‌های دلبستگی می‌توانند به عنوان طرحواره‌های شناختی برای روابط، مفهوم‌سازی شوند که در پاسخ به تجربیات با مراقبان دوران کودکی شکل گرفته‌اند (ویدرمن و همکاران، ۲۰۰۸).

سه سبک دلبستگی عمده وجود دارد: دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن - اجتنابی و دلبستگی نایمن - اضطرابی/ دوسوگرا. کودک دارای سبک دلبستگی ایمن گرایش دارد که دیگران را به عنوان قابل اتکاء و خودش را به عنوان کسی که ارزش دوست داشتن و مراقبت دارد، ببیند (ویدرمن، ۱۹۹۶). بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن تمایل دارند تا روابط رومان‌تیک‌شان را به صورت شاد و مورد اعتماد توصیف کنند، آن‌ها قادرند که به آسانی به دیگران نزدیک شوند و به

1- Infidelity

2- Glass

3- Wright

4- Shackelford

5- Weiderman

6- Jeanfreau

حمایت از شریک زندگی‌شان تمایل دارند. پژوهش هازان و شیور^۱ (۱۹۷۸) نشان داد که حدود ۵۶٪ از بزرگسالان در طبقه‌ی دل‌بستگی ایمن قرار می‌گیرند. افراد با سبک دل‌بستگی ایمن گرایش دارند تا تجارب رابطه‌شان را بیش‌تر به صورت مثبت توصیف کنند و به ادامه‌ی روابطشان بیش‌تر از شرکت‌کنندگان مضطرب/ دوسوگر تمایل دارند (کارداکتز^۲، ۲۰۰۹).

دل‌بستگی اجتنابی با الگوهای فعال‌سازی دیگران در روابط مرتبط است و افراد دارای این سبک آسیب‌پذیری را انکار می‌کنند و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به ترس از صمیمیت دارند (ویدرمن، ۱۹۹۶). بزرگسالان دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی تمایل دارند که از صمیمیت و فراز و فرودهای هیجانی بیمناک باشند، اعتماد کردن به دیگران را مشکل می‌یابند و از زیادی نزدیک شدن به دیگران نگرانند. شریکان زندگی اجتنابی معمولاً این باور را ندارند که عشق رومان‌تیک دوام دارد بزرگسالان اجتنابی حدود ۲۵٪ از جمعیت را تشکیل می‌دهند (هازان و شیور، ۱۹۸۷)

دل‌بستگی اضطرابی با الگوی فعال‌سازی خود در روابط مرتبط است، یعنی این افراد گرایش دارند که الگوی ضعیفی از خودشان در روابط داشته باشند، این افراد نگرانند که دوست داشته نشوند یا ترک گردند و در جستجوی اطمینان آفرینی مجدد و تجربه‌ی عاطفی منفی هستند (ویدرمن، ۱۹۹۶). بزرگسالان با سبک دل‌بستگی اضطرابی/ دوسوگر عشق را به صورت یک وسواس توصیف می‌کنند و گرایش دارند تا روابط رومان‌تیک را تجربه کنند که به وسیله‌ی فراز و فرودهای هیجانی، حسادت بیش از حد و تمایل قوی برای پیوند هیجانی، مشخص می‌گردد (هازان و شیور، ۱۹۸۷). بزرگسالان اضطرابی/ دوسوگر خواهان صمیمیت هستند و بیش از هر چیز دیگری از طرد می‌ترسند (پیترماناکو^۳، بارت^۴، ۲۰۰۰).

در بررسی علت طلاق افزون بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی علل فردی و روانشناختی از جمله طرحواره‌ها از اهمیتی ویژه برخوردارند (یوسفی، ۱۳۸۹). پلاتز، تاپسون، و ماسون (۲۰۰۲) همسویی‌های آشکاری را بین طرحواره‌های توصیف شده به وسیله‌ی بک و همکاران (بک، ۱۹۶۴) و نمودهای دل‌بستگی (بالبی، ۱۹۷۳) یادآور شدند. بنابراین، دلیلی برای اندیشیدن به این موضوع که نظریه‌ی دل‌بستگی ممکن است برخی بینش‌ها را نسبت به ایجاد طرحواره‌های شناختی ناسازگار

^۱- Huzen & Schewer

^۲-Kardaktaz

^۳- Pietromonaco

^۴- Barrett

فراهم کند، وجود دارد (پلاتز^۱، تایسون^۲، و ماسون^۳، ۲۰۰۵). یانگ^۴ (۱۹۹۹) بر این باور است که طرحواره‌ها در سه موقعیت شکل می‌گیرند و تداوم می‌یابند. این سه موقعیت عبارتند از: نیازهای هیجانی اساسی، تجارب اولیه کودکی و خلق و خوی هیجانی. ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در تجارب ناگوار دوران کودکی نهفته است، طرحواره‌هایی که زودتر شکل می‌گیرند، معمولاً قوی‌تر هستند.

طرحواره‌ها مطابق با ۵ نیاز تحولی کودک به پنج حوزه‌ی، بریدگی و طرد^۵، خودگردانی و عملکرد مختل^۶، محدودیت‌های مختل^۷، دیگر جهت‌مندی^۸، گوش به زنگی بیش از حد و درصد بازداری^۹ تقسیم شده اند که هر کدام شامل چند طرحواره است. حوزه‌ی بریدگی و طرد شامل طرحواره‌های رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/ شرم و انزوای اجتماعی/ یگانگی است. حوزه‌ی خودگردانی و عملکرد مختل شامل طرحواره‌های وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول نیافته/ گرفتار و شکست می‌باشد. حوزه‌ی محدودیت‌های مختل شامل استحقاق/ بزرگ منشی، خویشنداری و خودانضباطی ناکافی است. حوزه‌ی دیگر جهت‌مندی شامل طرحواره‌های اطاعت، ایثار و پذیرش جویی می‌باشد و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری شامل طرحواره‌های منفی‌گرایی/ بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی و تنبیه می‌باشد (یانگ، ترجمه صاحبی و حمیدپور، ۱۳۸۴).

طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادها می‌شوند و این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان فردی به صورت سوء تفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف و چشم‌داشت‌های غیر واقع بینانه خود را نشان می‌دهند (پاسکال^{۱۰}، کرسستین^{۱۱} و جین^{۱۲}، ۲۰۰۸، به نقل از یوسفی، ۱۳۸۹).

¹- Platts

²- Tayson

³- Mason

⁴- Young

⁵- Disconnection and Rejection

⁶- Impaired Autonomy and Performance

⁷- Impaired Limits

⁸- Other- Directedness

⁹- Overvigilance / Inhibition

¹⁰- Pascal

¹¹- Christine

¹²- Jean

پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به این نکته که موضوع روابط جنسی فرازنشویی (خیانت) موضوعی ضداخلاقی و نوعی پنهان کاری است، پژوهش درباره‌ی این موضوع و دسترسی به این افراد بسیار دشوار است، به همین دلیل، پژوهش‌ها در این زمینه اندک است. بنابراین، نتایج پژوهش‌هایی که در پی می‌آیند، ممکن است به گونه‌ی مستقیم با موضوع پژوهش ارتباط نداشته باشند، ولی در راستای سوابق بشمار می‌روند.

اندوز و حمید پور (۱۳۸۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر باشند، رضایت زنشویی کاهش می‌یابد و گزارش نمودند که سبک دلبستگی ایمن با طرحواره‌های ناسازگار رابطه‌ی معنی‌دار دارد. همچنین، ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی (۱۳۸۷) در پژوهشی که جهت تعیین رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زنشویی در بین ۷۰ نفر (۳۵ زوج) از زوجین شهر اصفهان انجام دادند، نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها نشان دادند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زنشویی همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد، یعنی هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر می‌شوند، صمیمیت زنشویی کاهش می‌یابد. ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی (۱۳۸۷) در پژوهشی دیگر که بمنظور بررسی رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زنشویی انجام دادند، نتایج نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد تعارض زنشویی به غیر از «جداکردن امور مالی از یکدیگر» رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج پژوهش کوهن^۱ (۲۰۰۵) که با هدف بررسی رابطه‌ی دلبستگی با خیانت در روابط رومانیتیک انجام داد، نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به افراد دارای دلبستگی‌های نا ایمن، خیانت کمتری می‌کنند.

در پژوهشی که به وسیله‌ی پلاتز، ماسون و تایسون (۲۰۰۵) بمنظور بررسی رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی بزرگسالی انجام گرفت، نتایج نشان دادند که طرحواره‌ها به صورت معنی‌داری مطابق با گروه‌بندی سبک دلبستگی متفاوتند. گروه دارای سبک دلبستگی بیمناک، درجه‌ی بیش‌تری از طرحواره‌های ناسازگار را داشتند که به وسیله‌ی گروه دل مشغول دنبال می‌شد.

^۱ - Cohen

در پژوهشی منز^۱، بریت^۲، و ولبربرکیون^۳ (۲۰۱۰) بررسی کردند که آیا که طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند رابطه‌ی بین ابعاد اضطرابی و اجتنابی دلبستگی و نشانگان آسیب شناسی روانی را تبیین کنند. نتایج نشان داد که رابطه‌ی بین اضطراب دلبستگی و آسیب شناسی روانی به گونه‌ی کامل به وسیله‌ی شناخت‌ها، بویژه طرد و بریدگی و خود جهت دهی میانجی می‌گردد. رابطه‌ی بین اجتناب دلبستگی و آسیب شناسی روانی تا حدی به وسیله‌ی شناخت‌ها بویژه طرد و بریدگی میانجی گردید.

در همین راستا، این پژوهش با هدف تعیین رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنانی که خیانت زناشویی داشتند، طراحی و اجرا گردید.

فرضیه‌ی پژوهش

- بین سبک دلبستگی اجتنابی و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی رابطه وجود دارد.
- بین سبک دلبستگی ایمن و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی زنانی بودند که به علت خیانت زناشویی به مراکز کاهش طلاق بهزیستی استان تهران در بازه‌ی زمانی مهر ۸۸ تا شهریور ۸۹ ارجاع داده شده بودند و دست‌کم سواد خواندن و نوشتن داشتند. پرسشنامه‌ها با هماهنگی سازمان بهزیستی تهران در مراکز کاهش طلاق تکمیل شد و در این بازه‌ی زمانی، ۹۶ زن ارجاع داده شده بود که ۱۴ نفر حاضر به همکاری نشدند و در نهایت، نمونه به ۸۲ نفر کاهش یافته بود. انتخاب نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه‌ی یانگ، سبک دلبستگی هازن و شیور گردآوری گردید.

^۱- Mans

^۲- Bteat

^۳- Vlierbergne

تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک روش آمار توصیفی و روش همبستگی پیرسون با بکارگیری نرم‌افزار SPSS-15 انجام گرفت.

ابزارهای پژوهش

• پرسشنامه‌ی سبک دلبستگی هازن و شیور^۱

برای اندازه‌گیری سبک‌های دلبستگی از مقیاس دلبستگی بزرگسال استفاده شد. مقیاس دلبستگی بزرگسال که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور ساخته شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک آزمون ۱۵ سوالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم-۱، کم-۲، متوسط-۳، زیاد-۴، خیلی زیاد-۵) می‌سنجد. سوالات مربوط به سبک اجتنابی ۱-۲-۳-۴-۵؛ سبک ایمن ۶-۷-۸-۹-۱۰ و سبک دو سوگرا ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ می‌باشد. کم‌ترین و بیش‌ترین نمره‌ی آزمودنی در خرده مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دو سوگرا در مورد یک نمونه‌ی دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵، ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است: مقیاس دلبستگی بزرگسال یا سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد.

• فرم کوتاه طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه بانگ^۲

این مقیاس، فرم کوتاه مقیاس بانگ (۱۹۹۸) است. این پرسشنامه دارای ۷۵ ماده است و بر پایه‌ی یافته‌های اشمیت و همکاران (۱۹۹۵) پانزده طرحواره، در ۵ حوزه قرار می‌گیرند که شامل: حوزه‌ی ۱) رها شدگی - بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی - بد رفتاری، محرومیت هیجانی، نقص - شرم، انزوای اجتماعی - بیگانگی. حوزه‌ی ۲) وابستگی - بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به زبان یا بیماری، خود تحول نیافته - گرفتار، شکست. حوزه‌ی ۳) استحقاق - بزرگ منشی، خویشتن داری - خود انضباطی ناکافی.

^۱ - Adult Attachment Questionnaire

^۲ - Young Schema Questionnaire- Short Form

حوزه‌ی ۴) اطاعت، اینتار.

حوزه‌ی ۵) بازداری هیجانی، معیارهای سخت گیرانه- عیب جویی افراطی.

ماده‌ها به کمک شش گزینه درجه‌بندی می‌شوند (یک= کاملاً در مورد من نادرست است؛ تا شش = کاملاً مرا توصیف می‌کند). نمره‌ی بالا در یک خرده مقیاس معین، احتمال وجود یک طرحواره‌ی غیر انطباقی را برای آن فرد نشان می‌دهد. اعتبار مقیاس **YSQ-SF** به وسیله‌ی آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶ و برای تمام خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ بود.

یافته‌ها

ابتدا برخی از ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌ها در جدول ۱ ارایه شده است و سپس میانگین و انحراف معیار نمره‌ها آزمودنی‌ها در متغیرهای سبک دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه در جدول ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۱- ویژگی‌های جمعیت شناختی آزمودنی‌ها

| شاخص آماری | ویژگی جمعیت شناختی | | |
|--------------|--------------------|------------|---------------|
| | سن | مدت ازدواج | درآمد ماهیانه |
| میانگین | ۲۵/۲ | ۴/۳۳ | ۵۳۶۰۰۰ |
| انحراف معیار | ۴/۹۲ | ۲/۶۳ | ۲۵۱۷۶۵ |

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین سنی در زنان شرکت کننده در پژوهش ۲/۲۵، با انحراف معیار ۴/۲۹ و میانگین مدت ازدواج ۴/۳۳ و انحراف معیار ۲/۶۳ می‌باشد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمره‌های آزمودنی‌ها در متغیرهای سبک دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگارانه اولیه

| انحراف معیار | میانگین | خرده مقیاس‌ها | شاخص‌ها آماری مقیاس‌ها |
|--------------|---------|--|--|
| ۲۴/۵۴ | ۸۴/۹۳ | حوزه‌ی بریدگی - طرد | حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه |
| ۲۹/۳۲ | ۷۱/۱۶ | حوزه‌ی خودگردانی و عملکرد مختل | |
| ۱۸/۲۱ | ۶۸/۸ | حوزه‌ی محدودیت‌های مختل | |
| ۱۹/۶۸ | ۶۶/۰۱ | حوزه‌ی دیگر جهت مندی | |
| ۲۲/۰۷ | ۷۲/۲ | حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداري | |
| ۷/۲ | ۱۹/۸ | ناایمن - اجتنابی | سبک دلبستگی |
| ۷/۵۴ | ۱۷/۴۳ | ناایمن - دوسوگرا | |
| ۵/۷ | ۱۴/۳ | ایمن | |

با توجه به جدول بالا، بیش‌ترین میانگین مربوط به طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی- طرد (۲۶/۹۳) و سپس طرحواره‌های حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداري (۲۵/۲۷) و کم‌ترین میانگین مربوط به طرحواره‌های حوزه‌ی دیگر جهت مندی (۲۱/۰۱) بود.

جدول ۳- فراوانی و درصد فراوانی سبک‌های دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی

| درصد فراوانی | فراوانی | خرده مقیاس‌ها | شاخص‌ها آماری مقیاس‌ها |
|--------------|---------|------------------|---------------------------|
| ٪۴۹ | ۴۱ | ناایمن - اجتنابی | سبک دلبستگی |
| ٪۳۱ | ۲۶ | ناایمن - دوسوگرا | |
| ٪۲۰ | ۱۷ | ایمن | |

با توجه به جدول ۳، درصد فراوانی زنان دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی ٪۴۹، زنان دارای سبک دلبستگی دوسوگر ٪۲۶ و زنان دارای سبک دلبستگی ایمن ٪۱۷ بود. یافته‌های جدول بالا نشان دهنده‌ی این است که بالاترین میزان سبک دلبستگی در زنان دارای خیانت زناشویی، سبک دلبستگی اجتنابی بود.

فرضیه‌ی نخست: بر اساس فرضیه‌ی نخست پژوهش، این احتمال مطرح است بین سبک دلبستگی اجتنابی و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی رابطه وجود دارد. با توجه به داده‌های جدول ۴، یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که بین سبک دلبستگی

اجتنابی و ۴ حوزه‌ی (بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری) رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول ۴ - ضرایب همبستگی بین سبک دلبستگی اجتنابی و حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه

| متغیرها | حوزه‌ی بریدگی - طرد | حوزه‌ی خودگردانی و عملکرد مختل | حوزه‌ی محدودیت‌های مختل | حوزه‌ی دیگر جهت مندی | حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری |
|---------------------|---------------------|--------------------------------|-------------------------|----------------------|--|
| سبک دلبستگی اجتنابی | ۰/۵** P= ۰/۰۰۰ | ۰/۳۱* P= ۰/۴۸ | ۰/۴۳** P= ۰/۰۰۵ | ۰/۲۱ P= ۰/۰۵۴ | ۰/۴۷* P= ۰/۰۱۴ |

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

فرضیه‌ی دوم: فرضیه‌ی دوم بیانگر این بود که بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی رابطه وجود دارد. یافته‌های ارایه شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد، خود گردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری رابطه‌ای مثبت و معنادار یافت شد.

جدول ۵ - ضرایب همبستگی بین سبک دلبستگی دوسوگرا و حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه

| متغیرها | حوزه‌ی بریدگی - طرد | حوزه‌ی خودگردانی و عملکرد مختل | حوزه‌ی محدودیت‌های مختل | حوزه‌ی دیگر جهت مندی | حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری |
|---------------------|---------------------|--------------------------------|-------------------------|----------------------|--|
| سبک دلبستگی دوسوگرا | ۰/۳۸** P= ۰/۰۰۳ | ۰/۴** P= ۰/۰۱ | ۰/۱۷ P= ۰/۰۵۶ | ۰/۲۳ P= ۰/۴۲ | ۰/۳۳** P= ۰/۰۳۳ |

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

فرضیه‌ی سوم: فرضیه‌ی سوم پژوهش این احتمال را مطرح نمود که بین سبک دلبستگی ایمن و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان دارای خیانت زناشویی رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۶، یافته‌ها، رابطه‌ی منفی و معناداری بین سبک دلبستگی ایمن و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد، خود گردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری نشان داد.

جدول ۶ - ضرایب همبستگی بین سبک دلبستگی ایمن و حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه

| متغیرها | حوزه‌ی بریدگی - طرد | حوزه‌ی خودگردانی و عملکرد مختل | حوزه‌ی محدودیت‌های مختل | حوزه‌ی دیگر جهت مندی | حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری |
|------------------|---------------------------|--------------------------------|-------------------------|----------------------|--|
| سبک دلبستگی ایمن | $-0/36^{**}$ $P=0/000$ | $-0/28^*$ $P=0/032$ | $-0/16$ $P=0/22$ | $-0/13$ $P=0/41$ | $-0/31^*$ $P=0/017$ |

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش تعیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگارانه‌ی اولیه در زنان بود که به علت خیانت زناشویی به مراکز کاهش طلاق یا اورژانس‌های اجتماعی شهر تهران ارجاع داده شده بودند.

دلبستگی نظامی است که خود را در روابط عاشقانه بزرگسالی بروز می‌دهد (هازان و شیور، ۱۹۸۷) و مفهوم دلبستگی به همسر، برای زنان و شوهران جزء پاداش‌های ازدواج قلمداد می‌شود. با توجه به متون نظری موجود می‌توان گفت که طرحواره‌ها روی مدل‌های فعال‌سازی درونی نظریه‌ی دلبستگی ایجاد شده و بسط می‌یابند. بنابراین، نمودهای دلبستگی می‌توانند به صورت طرحواره‌های شناختی برای روابط مفهوم‌سازی گردند که در پاسخ به تجارب مراقبان کودک و روابط بین شخصی بعدی شکل می‌گیرند (ویدرمن، ۱۹۹۶). به باور یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودشکننده‌ای هستند که در جریان رشد آغاز می‌گردند و در سرتاسر زندگی تکرار می‌شوند. از سوی دیگر، آسیب‌شناسی روانی فرد می‌تواند، بازتاب طرحواره‌های ناسالم وی باشد، بنابراین، طرحواره‌های منفی و ناسازگار که بیش‌تر در پی تجربه‌های ناگوار دوران کودکی پدید می‌آیند، می‌تواند به عنوان هسته‌ی اصلی اختلال شخصیت بسیاری از بیماری‌های محور I در میان همسران ایفای نقش کند (یوسفی، ۱۳۸۹).

اساساً طرحواره‌های ناسازگار موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به صوت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوء برداشت‌ها بر ادراک‌ها و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارند زیرا طرحواره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه‌ی فرد با خود و دیگران (بویژه شریک زندگی) تأثیر دارند، از آن‌جا که طرحواره‌های ناسازگار ناکارآمد هستند؛ ناخشنودی در روابط زناشویی را در پی دارند و زمینه را برای جدایی فراهم می‌کنند (به نقل از همان منبع).

یافته‌ها نشان داد که زنان دارای خیانت زناشویی بیش‌تر سبک دلبستگی اجتنابی دارند، هم‌چنین یافته‌ها حاکی از آن بود که بین سبک دلبستگی اجتنابی و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی- طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری، رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد و دلبستگی اجتنابی بیش‌ترین ارتباط را با طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی/ طرد دارد که با نظر یانگ مبنی بر این که عدم ارضای نیاز به دلبستگی ایمن منجر به پیدایش طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی/ طرد می‌شود، همسو است. یافته‌های پژوهش‌های پیشین (جیکو کینس و همکاران (۲۰۰۲) و سه‌رابی و رسولی (۱۳۸۷)) نشان می‌دهد که سبک دلبستگی اجتنابی عاملی خطرزا برای روابط زیان‌بخش است و افرادی که رابطه‌ی فرازناشویی دارند، سبک دلبستگی اجتنابی بیش‌تری از سبک دلبستگی دوسوگرا دارند. احتمال از هم‌پاشیدگی و جدایی در همسران دارای طرحواره‌های ناسازگار رهاشدگی، بی‌اعتمادی/ بد رفتاری، کاستی / بی‌مهری و محرومیت هیجانی بسیار زیاد است (اندوز و حمید پور، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی دوسوگرا و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد، خود گردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری رابطه‌ای مثبت و معنادار یافت شد. یافته‌ها، رابطه‌ی منفی و معناداری بین سبک دلبستگی ایمن و طرحواره‌های حوزه‌ی بریدگی طرد و خودگردانی و عملکرد مختل و حوزه‌ی گوش به زنگی بیش از حد و بازداری نشان داد. هم‌چنین، افرادی که خودشان را به عنوان فردی بی‌وفا توصیف می‌کنند، گرایش بیش‌تری به صفات شخصیتی مرتبط با کمبود اعتماد دارند (گرازیانو^۱ و آیزنبرگ^۲، ۱۹۹۷).

¹ - Graziano

² -Eisenberg

هوگن^۱ و انس^۲ (۱۹۹۷) نیز بیان کردند این افراد گرایش به نابسامانی دارند و غیر قابل اعتماد هستند و بیش‌تر احتمال دارد که خود را به عنوان فردی بی‌وفا توصیف کنند.

این نتایج با نتایج اندوز و حمید پور (۱۳۸۴) که بیان کردند هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر باشند، رضایت زناشویی کاهش می‌یابد و سبک دلبستگی ایمن با طرحواره‌های ناسازگار ارتباط معناداری دارد، همسو است. نتایج پژوهش کوهن (۲۰۰۵) که با هدف بررسی رابطه‌ی دلبستگی با خیانت در روابط رومان‌تیک انجام داد، نشان داد که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، نسبت به افراد دارای دلبستگی‌های نایمن، خیانت کم‌تری می‌کنند.

نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش ماسون، پلاتر و تایسون (۲۰۰۵) که بمنظور بررسی رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی بزرگسالی انجام گرفت، همسو بود. نتایج آن‌ها نشان داد که طرحواره‌ها به صورت معنی‌داری مطابق با گروه بندی سبک دلبستگی متفاوتند. گروه دارای سبک دلبستگی اجتنابی، درجه‌ی بیش‌تری از طرحواره‌های ناسازگار نسبت به گروه دلبستگی اضطرابی داشتند.

در پژوهشی منز، بریت، و ولبربرکیون (۲۰۱۰) بررسی کردند که آیا که طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند رابطه‌ی بین ابعاد اضطرابی و اجتنابی دلبستگی و نشانگان آسیب‌شناسی روانی را تبیین کند. نتایج نشان دادند که رابطه‌ی بین دلبستگی اضطرابی و آسیب‌شناسی روانی به گونه‌ی کامل به وسیله‌ی شناخت‌ها بویژه طرد و بریدگی و خودگردانی تعدیل می‌گردد. رابطه‌ی بین دلبستگی اجتنابی و آسیب‌شناسی روانی تا حدی به وسیله‌ی شناخت‌ها بویژه طرد و بریدگی تعدیل گردید. نتایج این پژوهش نیز موازی با نتایج پژوهش منز، بریت، و ولبربرکیون (۲۰۱۰) است. نتایج پژوهش می‌تواند همسو با پژوهش ذوالفقاری، فاتحی زاده و عابدی (۱۳۸۷) نیز باشد که بمنظور تعیین رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی در بین ۷۰ نفر (۳۵ زوج) از زوجین شهر اصفهان انجام گردید، نتایج نشان دادند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولی با ابعاد صمیمیت زناشویی همبستگی منفی و معنی‌داری وجود دارد، یعنی هرچه طرحواره‌ها ناسازگارتر می‌شوند، صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد. در پژوهشی دیگر که بمنظور بررسی رابطه‌ی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی انجام دادند، نتایج نشان دادند که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد تعارض زناشویی به غیر از «جداکردن امور مالی از یکدیگر» رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

¹ - Hogan

² - Ones

در کل یافته‌های این پژوهش می‌توانند در راستای یافته‌های پلاتز و همکاران (۲۰۰۲) باشد که یاد آور شدند مدل های فعال سازی درونی دلبستگی، آشکارا با طرحواره‌های شناختی ارتباط دارد. در این پژوهش رابطه‌ی بین طرحواره‌های حوزه‌ی ۱ و سبک دلبستگی اجتنابی قوی‌تر بود که در تبیین این یافته می‌توان گفت که حوزه‌ی بریدگی و طرد به گونه‌ی معمول در خانواده‌هایی بوجود می‌آیند که بی عاطفه، سرد، مضایقه گر، منزوی، تند خو، غیر قابل پیش بینی یا بدرفتار هستند. فرد دارای طرحواره‌ی رها شدگی/ بی ثباتی بر این باور است که هر لحظه ممکن است افراد مهم زندگی‌اش بمیرند یا این که او را رها کنند و به فرد دیگری علاقه مند شوند. فرد دارای طرحواره‌ی بی اعتمادی/ بد رفتاری بر این باور است که دیگران به انسان ضربه می‌زنند، بدرفتارند، انسان را سرافکنده می‌کنند، دروغ می‌گویند و دغل کار و سودجو هستند و ممکن است زمینه ای برای خیانت باشد. در طرحواره‌ی محرومیت هیجانی تمایلات و نیازهای فرد به حمایت عاطفی به اندازه‌ی کافی از جانب دیگران ارضاء نمی‌شود. این محرومیت‌ها شامل محرومیت از محبت، محرومیت از همدلی و محرومیت از حمایت است. فرد دارای طرحواره‌ی نقص / شرم بر این باور است که فرد در مهم‌ترین جنبه‌های شخصیتش، انسانی ناقص، نا مطلوب، بد، حقیر و بی ارزش است. در طرحواره‌ی انزوای اجتماعی/ بیگانگی فرد از جهان کناره گیری کرده و با دیگران متفاوت است یا این که به گروه خاصی تعلق خاطر ندارد. همچنین، همسرانی که داری طرحواره‌ی ناسازگارانه‌ی رها شدگی، بی اعتمادی- بد رفتاری، کاستی- بی مهری و محرومیت هیجانی هستند، احتمال از هم پاشیدگی و جدایی آن‌ها بسیار زیاد است (اندوز و حمید پور، ۱۳۸۴).

References

- 1- Andoos, z. Hamidpour, H. (1384). Relation Between Early Maladaptive Schema , Attachment Style and marital satisfaction. The presented article in second conference of family pathology in Iran. Shahid Behashti University. May, 25- 29[Persian].
- 2- Bowlby, J. (1980). Attachment and loss. Loss (Vol. III). New York: Basic Books.
- 3- Cohen, A. B.(2005). The relation of attachment to infidelity in romantic relationship: an exploration of attachment style, perception of partner's attachment style, relationship satisfaction, relationship quality and gender differences in sexual behaviors. Institute of advanced psychological studies, adelphy university.
- 4- Gcollins, N. L., Cooper, L. M., Albino. A.(2002). Psychosocial vulnerability from adolescence to adulthood: A prospective study of attachment style differenees.

- 5- Graziano, W. G., & Eisenberg, N. H. (1997). Agreeableness: A dimension of personality. In R. Hogan, J. Johnson, & S. Briggs (Eds.), *Handbook of personality psychology* pp: 795-824.
- 6- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- 7- Jeanfreau, M, M.(2009). A qualitative study investigating the decision – making process of women, participation in marital infidelity. kansas state university.
- 8- Johnson, C. A., Stanley, S.M., Glenn, N.D., Amato, P.A., Nock, S.L., Markman, H. J.(2002). Marriage in Oklahoma: 2001 baseline statewide survey on marriage and divorce.
- 9- Kardatzke , K. N.(2009). Perceived Stress, Adult Attachment, Dyadic Coping and Marital Satisfaction of Counseling Graduate Students. unpublished doctoral dissertation. Greensboro university.
- 10- kaveh, s.(1383). *Psychology of unfaithfully and infidelity*. Tehran: Honar saray andisheh[Persian].
- 11- Mans, G. B., Breat, C., Vlierberqne, L. V.(2010). Attachment and symptoms of psychopathology :early maladaptive schema as a cognitive link. *Journal of clinical psychology and psychotherapy*.17:374-387.
- 12- Pietromonaco, P. R., & Barrett, L. F.(2000). The internal working models concept: What do we really know about the self in relation to others? *Review of General Psychology*, 4, 155-175.
- 13- Platts, H., Mason, O., & Tyson, M.(2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical sample. *Psychology and Psychotherapy: Theory Research and Practice*. 78: 549-564.
- 14- Platts, H., Tyson, M., Mason, O.(2002). Adult attachment style and core beliefs: Are they linked?. *Clinical Psychology and Psychotherapy*. 9: 332-348.
- 15- Shackelford, T. K., Besser, A ., Goetz, A. T.(2008). Personality, Marital Satisfaction, and Probability of Marital Infidelity. *journal of Individual Differences Research*. 6: 13-25.
- 16- Sohrabi,F. Rasoli, F.(1387). *The Relationship Between Attachment Style and extramarital sex relationship among married Women in residential center for deviant women in the city of Tehran in the City of Tehran.*[Persian].
- 17- Wearden, A ; Peters, I; Berry, K; Barrowclough, Ch & Liversidge, T(2008). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences* 44 (2008) 1246-1257
- 18- Wells, napoleon D.(2007). The effect of early maladaptive schemas and religiosity on adjustment and mood among African American college students. Department of psychology at Fordham university.

- 19- Wiederman, M. W., Allgeier, E. R.(1996). Expectations and attributions regarding extramarital sex among young married individuals. *Journal of Psychology and Human Sexuality*. 8: 21–35.
- 20- Yoosefi, N.(1389)Comparind the efficacy of two family therapy approach according to schema therapy and Bowens emotional system in early maladaptive schemas, self differentiation, attachment styles and tendency to divorce in couple who wanted to be divorce in the city of Saghez. Phd thesis in family counseling . Esfahan university.
- 21- Young, J. E., Kolsko, J, Wissher, M. E .(2003). Schema therapy: Practitionerers guide, New Yourk. P: 73-75.
- 22- Zolfaghari,M. Fatehi zadeh, M. Abedi, M. (1387). Determining relationships between early maladaptive schemas and marital Intimacy among Mobarakeh steel complex personnel. *Journal of Family research*.vol 4. N, 15:247-261[Persian].